

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم تحقیقات و فن آوری
دانشگاه قم
مرکز تربیت مدرس
رسالة کارشناسی ارشد مدرسی الهیات و معارف اسلامی

موضوع
آسیب شناسی نظری تربیت دینی جوانان

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین دکتر احمد عابدی

استاد مشاور:

حجة الاسلام والمسلمین دکتر عسکر دیرباز

نگارنده:

عبدالرحیم سیفی نژاد

۱۳۸۸

تقدیم :

به ساحت قدس رسول کرامی اسلام حضرت محمد **ﷺ** و ائمه طاهرين :

پدر و مادرم که همواره آموزگار تربیت دینی ام بوده اند

و

همسر مشفق و فداکارم

قال علی علیه السلام
«بالشکر تدوم النعمة»

(با سپاسگذاری نعمت پایدار می شود)

خدای سبحان را سپاس می گویم که توفیقم عطا فرمود تا توانستم به بهانه این پژوهش به گوشه ای از گستره بی اتناهای شناخت دین و تربیت دینی دست یابم.

باتقدیر و شکر از زحمات استاد عالیقدر و معظم حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر احمد عبدی که اگر نبود اشارات و تنبیهات آن گرامی این رساله به سامان نمی رسید. همچنین از استاد بزرگوار حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر عسکر دیرباز که زحمت مشاورت این پیمان نامه را پذیرفتند کمال تقدیر و شکر را دارم.

و نیز سپاس و شکر فراوان خود را به حضور اساتید محترم مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم تقدیم می دارم.

چکیده

این تحقیق تحت عنوان «آسیب‌شناسی نظری تربیت دینی جوانان» است. ویژگی‌های دوره‌ی جوانی اقتضاء می‌کند که در تربیت جوان اصول فطری، منطقی و عقلی رعایت شود تا فعالیت‌های تربیتی در او مؤثر باشد؛ نادیده گرفتن این اصول موجب شده تا تربیت، در جوان درونی نشود و عامل درونی گرایش به سوی خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها در او تقویت نشود. این ناکامی‌ها ریشه در آسیب‌هایی دارد که خواسته یا ناخواسته از جهات مختلفی بر روند جریان تربیت وارد شده و مانع نتایج مطلوبی می‌شود.

اولین آسیب از جهت روش‌های تربیتی است، روش‌های ناصوابی مانند شیوه‌ی نادرست امر به معروف و نهی از منکر، جبر، اکراه و تحمیل، همچنین ناهماهنگی در گفتار و رفتار و نحوه‌ی معرفی الگوی‌ها، از روش‌های آسیب‌زا در تربیت معرفی شده‌اند. آسیب دوم از جهت ابزار تربیت است، در این بخش نواقص و کاستی‌های ابزار تربیتی مانند فعالیت‌های رسانه‌ها، مساجد و فضاهای ورزشی تفریحی و نیز فرهنگ و تهاجم فرهنگی مورد بحث قرار گرفته .

یکی دیگر از آسیب‌های تربیتی از جهت آموزش بوجود می‌آید. در این بخش خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین کانون تربیتی فرزند معرفی شده و آسیب‌های رفتاری والدین و محیط خانه و برنامه‌های حاکم بر خانه به عنوان آسیبی مهم در تربیت صحیح جوان دانسته شده، همچنین متون آموزش درسی و متناسب نبودن محتوای آنها با نیازهای جوانان و پاسخگو نبودن سؤالات آنها به عنوان آسیبی دیگر از جهت آموزش معرفی شده و در پایان نقش معلم در تربیت دینی جوانان و کمبودها و کاستی‌هایی که این نقش را کم‌تأثیر کرده بیان شده است.

واژگان کلیدی: دین، تربیت، آسیب‌شناسی، فرهنگ و جوان.

فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| ۱ | مقدمه |
| ۱۰ | بخش ۱: کلیات |
| ۱۱ | فصل اول: واژه شناسی تربیت و مترادفات |
| ۱۲ | تربیت در اصطلاح |
| ۱۷ | تربیت دینی |
| ۱۹ | فصل دوم: آسیب شناسی تربیت دینی |
| ۲۳ | فصل سوم: جوان در اصطلاح |
| ۲۹ | بخش ۲: مبانی تربیت |
| ۳۰ | فصل اول: اهداف و ابعاد تربیت دینی |
| ۳۰ | شناخت انسان |
| ۳۲ | ویژگی های انسان |
| ۳۶ | ابعاد تربیت دینی |
| ۴۱ | فصل دوم: ویژگی های جوان |
| ۴۱ | ۱. استعداد پرورش |
| ۴۲ | ۲. تحولات جسمی و روحی |
| ۴۳ | ۳. ارتباط با خدا |
| ۴۴ | ۴. توان جسمی |
| ۴۵ | ۵. استعداد عقلی و ادراکی |
| ۴۷ | ۶. دانش اندک |
| ۴۷ | ۷. حساسیت |
| ۴۸ | ۸. علاقه به زیبایی |
| ۴۹ | ۹. خودباوری |
| ۴۹ | ۱۰. انعطاف پذیری |
| ۵۱ | فصل سوم: اصول تربیت جوان |
| ۵۱ | الف- قواعد ایجابی: |
| ۵۱ | ۱- مشورت: |

| | |
|----|--|
| ۵۲ | ۲- اولویت تبلیغ غیر مستقیم..... |
| ۵۳ | ۳- زیبانگری..... |
| ۵۴ | ۴- محبت محوری..... |
| ۵۵ | ب - قواعد سلبی..... |
| ۵۸ | ۱. تأمین نیازهای مشروع جوانان..... |
| ۶۲ | ۲. خودپاسبانی..... |
| ۶۳ | ۳. نظارت عمومی..... |
| ۶۴ | بخش ۳: آسیب شناسی تربیتی از جهت روش..... |
| ۶۵ | فصل اول: روش امر به معروف و نهی از منکر..... |
| ۷۰ | الف) شرایط واجب شدن امر به معروف و نهی از منکر..... |
| ۷۱ | ب - مراحل امر به معروف و نهی از منکر..... |
| ۷۱ | ج - روشهای مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر..... |
| ۷۲ | ۱. عدم آگاهی نسبت به احکام دین..... |
| ۷۳ | ۲. خشونت..... |
| ۷۴ | ۳. رعایت نکردن مراتب امر به معروف و نهی از منکر..... |
| ۷۴ | ۴. نداشتن سعه صدر..... |
| ۷۵ | ۵. عدم معرفی جایگزین..... |
| ۷۷ | فصل ۲: اجبار..... |
| ۷۹ | آثار منفی اجبار..... |
| ۷۹ | ۱. کاستن اعتماد به نفس..... |
| ۷۹ | ۲. دورویی..... |
| ۷۹ | ۳. انتقام..... |
| ۸۰ | فصل سوم: دوگانگی در گفتار و رفتار..... |
| ۸۳ | آثار منفی دوگانگی در گفتار و رفتار..... |
| ۸۳ | ۱. ایجاد تنفر..... |
| ۸۴ | ۲. سلب اعتماد..... |
| ۸۵ | ۳. ریا..... |

| | |
|--|------------|
| فصل چهارم: آسیب‌الگوپردازی | ۸۶ |
| ۱. تاریخی جلوه دادن اسوه‌های دینی | ۸۷ |
| ۲. تعمیم‌های الگویی نادرست | ۸۸ |
| ۳. فرا انسانی جلوه دادن الگوهای دینی | ۸۸ |
| ۴. تقدس زدایی از الگوهای دینی | ۸۹ |
| ۵. عدم ارایهٔ مصادیق و نمونه‌های واضح از زندگی اسوه‌ها | ۹۰ |
| بخش ۴: آسیب‌شناسی از جهت ابزار | ۹۲ |
| فصل اول: رسانه‌ها (کتاب، مجله، رادیو، تلویزیون و...) | ۹۳ |
| فصل دوم: مساجد و منابر | ۹۷ |
| امام جماعت | ۹۷ |
| برنامه‌های مسجد | ۹۸ |
| بهداشت مسجد | ۹۹ |
| کارگزاران مسجد | ۹۹ |
| کتابخانه مسجد | ۹۹ |
| فصل سوم: فضای ورزشی و تفریحی | ۱۰۱ |
| فصل چهارم: فرهنگ و تهاجم فرهنگی | ۱۰۴ |
| راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی | ۱۰۷ |
| بخش ۵: آسیب‌شناسی از جهت آموزش | ۱۰۹ |
| فصل اول: خانواده | ۱۱۰ |
| فصل دوم: متون درسی | ۱۱۹ |
| فصل سوم: نقش معلم در تربیت دینی | ۱۲۲ |
| نقش پیامبری | ۱۲۶ |
| امانت‌داری | ۱۲۶ |
| روشنگری | ۱۲۶ |
| دفاع از مرزهای فرهنگی | ۱۲۷ |
| خاتمه و نتیجه‌گیری | ۱۳۲ |

مقدمه

اهمیت و ضرورت موضوع

وجود انسان در آغاز تولد مانند لوح نانوخته‌ای است که از هرگونه آگاهی بی‌بهره است، در این مرحله انسان فاقد علم و کمال است، چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «والله اخرجکم من بطون امهتکم لا تعلمون شیئاً...»^۱ و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ نمی‌دانستید...» و به تدریج با تعلیم و تربیت مستقیم و غیرمستقیم، استعدادهای بالقوه او به فعلیت می‌رسد، در پرتو تربیت صحیح ارزشهای والای انسانی در او به وجود می‌آید و رسیدنش به کمال نهایی میسر می‌شود. دنیا و آخرت انسان با تعلیم و تربیت ساخته می‌شود، زیرا تا انسان خویشتن را نشناسد و رابطه خود را با جهان و خلق و خالق نیابد و نداند از کجا آمده و در کجاست و به سوی کدامین مقصد در حرکت است و چه برنامه و راهی را باید دنبال کند، هرگز هدف و هویت انسانی نخواهد داشت و این موهبت تنها در پرتو تعلیم و تربیت به دست می‌آید. به همین جهت «ابوحامد محمد غزالی»^۲ و خواجه نصیرالدین طوسی،^۳ و بسیاری از علمای دیگر، تعلیم و تربیت را «اشرف صناعات» و بهترین دانشها دانسته‌اند.

تعلیم و تربیت، نه تنها می‌تواند در رشد اخلاقی، عقلانی، رفتاری و حتی جسمانی فرد مؤثر باشد بلکه وسیله‌ای در جهت رفع نیازهای حقیقی و مصالح اجتماعی به شمار آید، یعنی نفس تعلیم و تربیت نه تنها در عینیت بخشیدن به زندگی مادی و معنوی فرد متوقف و محدود نمی‌شود، بلکه تمام شئون اجتماعی او را در بر می‌گیرد و عامل رشد و تحول اساسی جامعه می‌گردد.

۱. نحل، ۷۸.

۲. غزالی، ابوحامد محمد؛ احیاء علوم، ج ۱، ص ۱۳.

۳. طوسی، خواجه نصیرالدین؛ اخلاق ناصری، ص ۱۰۶.

به خاطر این اهمیت می‌توان گفت مشخصهٔ یک جامعهٔ سالم و رشد یافته تنها داشتن موقعیت جغرافیایی خوب و معادن متنوع و منابع مالی نیست بلکه نظام تعلیم و تربیتی زنده و مترقی است که انسانهایی آزاده، مستقل، خلاق، مبتکر و تلاشگر می‌سازد تا جامعه را در زمینه‌های علوم، صنایع، اقتصاد، سیاست و غیره از عقب ماندگی نجات دهد. زیرا همهٔ اصلاحات و فعالیتها، به وسیله اندیشه و تلاش انسان انجام می‌گیرد و وقتی او صالح و سالم پرورش یافت همه چیز به خوبی ساخته می‌شود.

با دقت در طبیعت وجودی انسان اهمیت و ضرورت تربیت را بهتر درمی‌یابیم. زیرا با آنکه گرایش به خیر و شر در نفس آدمی نهفته است و زمینه‌های صعود و سقوط در نهاد او قرار داده شده، چنانچه قرآن می‌فرماید: «و نفس و ما سویها - فآلهما فجورها و تقویها - قد افلح من زکیها...^۱ سوگند به نفس و آنکه او را متعادل و موزون بیاراست و خیر و شرش را به آن الهام کرد که به حقیقت هر کسی آن را تزکیه کند، به رستگاری می‌رسد و هر کسی آن را با معصیت آلوده ساخته نومید و محروم گشته است».

اما گرایش یا آگاهی فطری به خیر و سعادت، به تنهایی سازنده نیست بلکه باید سعادت را به دست آورد، زیرا تکامل انسان، نیازمند تلاش و توجه و حرکت است، و اگر او را رها کنند و به خود واگذارند گمراه می‌شود و سقوط می‌کند. چنانچه غزالی در این باره می‌گوید:

«اگر علماء و معلمان نبودند مردم همچون بهایم و چهارپایان زیست می‌کردند؛ یعنی مردم در سایهٔ تعلیم از مرحلهٔ حیوانی به مقام انسانی ارتقا می‌یابند.»^۲

در زندگی صنعتی معاصر عوامل مختلفی اهمیت تعلیم و تربیت را آشکار می‌کند که برخی از آنها عبارتند از:

۱. شمس، ۷ تا ۱۰.

۲. غزالی، ابوحامد، محمد، احیاء علوم الدین؛ ص ۱۱.

۱. ماشینی شدن زندگی بشر و عدم فرصت کافی خانواده‌ها برای تعلیم و تربیت؛
 ۲. تهدید سرنوشت بشر به وسیله بحرانهای روحی، ضایعات اخلاقی و نابسامانیهای زجردهنده تمدن و افزایش دائمی آنها با توجه به انعکاس سریع حوادث و ارتباطات جهانی؛
 ۳. ناتوانی انسان در برابر سیل فساد و طوفان تند تبلیغات گمراه کننده؛
 ۴. نارسایی مکتب‌هایی که از رهنمود وحی الهی دور مانده‌اند در حل بحرانهای تربیتی انسانها؛
- همه آنچه گذشت اهمیت تعلیم و تربیت صحیح که متکی به وحی الهی باشد را بیان می‌کند.
- و در اهمیت تربیت از نظر دین اسلام همین بس که در قرآن کریم بیش از هزار مرتبه خدای خالق با عنوان «رب»^۱ ذکر شده و فلسفه وجودی ادیان آسمانی و رسالت انبیاء را تعلیم و تربیت شمرده مانند آیه: «کما ارسلنا فیکم رسولاً منکم یتلوا علیکم آیاتنا و یرکبکم و یعلمکم الکتب و الحکمة»^۲
- چنانکه رسولی از خود شما برایتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را تزکیه کند و کتاب و حکمت بیاموزد...»
- و روایات اسلامی علمای عامل و مرییان هدایت یافته را محبوب خدا و وارثان انبیاء شمرده و مرکب و قلم آنان را از خونهای شهداء برتر به حساب آورده است.^۳
- بر اساس تعالیم دین، دوره‌های عمر انسان هر کدام شیوه خاصی برای تربیت طلب می‌کند، اما دوران جوانی که سرنوشت انسان را رقم می‌زند ویژگی خاصی دارد که باید

۱. الرب فی الاصل: التریبة و هو انشاء الشیء حالاً فحلاً الی حد التمام. ر.ک: الراغب الاصفهانی؛ المفردات فی غریب القرآن.

۲. بقره، ۱۵۱.

۳. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب؛ الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۲۵.

با دقت و ظرافت به آن توجه نمود.

در جامعه اسلامی و پیشرفت اهداف آن جوانان نقش بسزایی دارند؛ اگر آنان بر اساس تعالیم دین، درست تربیت شوند می‌توانند مدینه فاضله‌ای به وجود آورند که هم خود سعادت‌مند شوند هم الگوی خوشبختی دیگران شوند.

اما لازمه رسیدن به چنین اهدافی، شناخت صحیح ابعاد وجودی جوانان و استفاده از روشهای کارآمد تربیت و آشنایی با آسیب‌های تربیتی آنان است.

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در عصر حاضر که یک تحول فرهنگی، تربیتی بود و بر اساس معیارهای دینی صورت گرفت، زمینه‌ساز پرورش انسانها در سایه تعالیم ارزشی بود؛ برای رسیدن به این هدف مهم علاوه بر تغییر ساختاری در اهداف و رویکرد مراکز آموزشی و تحول اساسی سازمانها و مجموعه‌های دیگری نیز به یاری مراکز آموزشی شتافتند و با چاپ کتابهای مختلف و برگزاری دوره‌های آموزشی تربیتی گوناگون و حتی گاهی برخی فعالیت‌های موازی و تکراری، همه تلاش کردند تا نسلی تربیت شده دینی انقلابی پرورش دهند و در نتیجه جامعه‌ای دینی به وجود آورند.

اکنون که سه دهه از آغاز آن فعالیت‌های مبارک می‌گذرد و شاهد جوانان رشیدی هستیم که خروجی این فعالیت‌ها محسوب می‌شوند، باید متولیان امور فرهنگی با بررسی دقیق عملکرد خود، آسیب‌ها و کاستی‌ها را شناخته و با مقایسه میزان فعالیت‌ها و اهداف به نقد واقع بینانه برخی رفتارها نشست تا روشن شود چرا ارزشهای دینی درونی نشده و برخی جوانان هنوز به دنبال هویت گمشده خود می‌گردند و دین جایگاه واقعی خود را در زندگی مردم پیدا نکرده و به ظواهری کلیشه‌ای از سنت‌های دینی بسنده شده.

قطعاً در این کاوش، علل و عوامل این ناکامی‌ها یا به شیوه نادرست تربیتی برمی‌گردد یا عدم استفاده درست از ابزارهای تربیتی، بنابراین همانطوری که اصل تربیت اهمیت دارد، شناخت آسیب‌های تربیتی نیز مهم است زیرا آسیب‌های تربیتی موانع اهداف

تربیتی هستند این آسیب‌ها که یا آگاهانه از سوی معاندان جهت انحراف جوانان صورت می‌گیرد یا ناشی از جهل و باورهای غلط تربیتی در خانواده‌ها و سطح جامعه می‌باشد فعالیت‌های تربیتی را بی نتیجه می‌کند، هزینه‌ها را هدر می‌دهند، فرصت‌های ارزشمند را از بین می‌برند در نتیجه یا مقصد رشد و کمال جوانان را منحرف می‌کنند یا چنان وقفه ایجاد می‌کنند که جامعه دچار زیانهای جبران ناپذیری شود.

باید متولیان امور فرهنگی با بررسی دقیق عملکرد خود، آسیب‌ها و کاستی‌ها را شناخته و با مقایسه میزان فعالیت‌ها و اهداف به نقد واقع بینانه برخی رفتارها نشسته تا روشن شود چرا ارزشهای دینی درونی نشده و برخی جوانان هنوز به دنبال هویت گمشده خود می‌گردند و دین جایگاه واقعی خود را در زندگی مردم پیدا نکرده و به ظواهری کلیشه‌ای از سنت‌های دینی بسنده شده.

قطعاً در این کاوش، علل و عوامل این ناکامی‌ها یا به شیوه نادرست تربیتی برمی‌گردد یا عدم استفاده درست از ابزارهای تربیتی.

بنابراین همانطوری که اصل تربیت اهمیت دارد، شناخت آسیب‌های تربیتی نیز مهم است زیرا آسیب‌های تربیتی موانع اهداف تربیتی هستند این آسیب‌ها که یا آگاهانه از سوی معاندان جهت انحراف جوانان صورت می‌گیرد یا ناشی از جهل و باورهای غلط تربیتی در خانواده‌ها و سطح جامعه می‌باشد فعالیت‌های تربیتی را بی نتیجه می‌کند، هزینه‌ها را هدر می‌دهند، فرصت‌های ارزشمند را از بین می‌برند. در نتیجه یا مقصد رشد و کمال جوانان را منحرف می‌کنند یا چنان وقفه ایجاد می‌کنند که جامعه دچار زیانهای جبران ناپذیر شود.

برخی آسیب‌هایی که تربیت دینی جوانان را تهدید می‌کند عبارتند از:

۱. عدم آگاهی خانواده‌ها از اصول تربیتی دینی و تحمیل افکار و خواسته‌های خود بر فرزندان به عنوان دین.

۲. مراقبت‌های بیش از حد و محاصره تنگ انضباط رفتاری از سوی مربیان.
۳. توهین و تحقیر و تنبیه بیش از حد.
۴. تعصبات شخصی و آشفتگی روحی.
۵. مقایسه بین افراد.
۶. بی‌توجهی به شرایط زمان.
۷. تهاجم فرهنگی دشمنان.
۸. ناهماهنگی بین گفتار و عمل مربیان.
۹. عدم ارضای فکری فرهنگی و پوچ‌گرایی و بی‌هویتی.
۱۰. فاصله بین مربیان دینی و جوانان.
۱۱. عدم هماهنگی متون آموزشی با واقعیات و نیازهای جوانان.
۱۲. افراط و تفریط و تساهل و تسامح.

پیشینه تاریخی

دین و دینداری پیشینه‌ای به اندازه حیات انسان دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت، دین و انسان همزمان پای به عرصه وجود نهاده‌اند.

دین همیشه در حیات فکری و معنوی افراد جامعه نقش دایمی و اساسی دارد، ولی به تناسب تغییر شرایط جامعه و بروز موانع، میزان پای‌بندی افراد به دین دچار شدت و ضعف شده و همان گونه که بدن و جسم انسان دچار بیماری می‌شود ممکن است دینداری انسان هم به عنوان یک پدیده روحی و معنوی دچار آسیب گردد.

... با توجه به جوان بودن جامعه ما و به لحاظ نقش خطیری که جوانان دیندار در آینده جامعه دارند، آشنایی با عوامل آسیب‌زای دین‌گرایی جوانان. به مراکز فرهنگی کمک خواهد کرد تا با برنامه‌ریزی بهتر، رسالت خود را درباره تربیتی دینی جوانان به صورت شایسته‌تری انجام دهند.

پژوهش در مقوله آسیب شناسی دین گرایی جوانان عرصه‌ای وسیع است که از زوایای مختلف قابل بررسی است و تاکنون محققان ارجمند علوم تربیتی یا به طور عام ضمن پرداختن به مباحث تربیتی یا به طور خاص در قالب مقالات بدان پرداخته‌اند که از جامع‌ترین این تحقیقات می‌توان به مجموعه مقالاتی که مرکز تعلیم و تربیت اسلامی وزارت آموزش و پرورش ضمن برگزاری همایشی به عنوان آسیب‌شناسی تربیت دینی چاپ کرده اشاره کرد و یا تحقیقاتی که گروه تعلیم و تربیت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در این خصوص انجام داده و نیز تحقیقات میدانی که مرکز ملی جوانان در موضوعات مختلف اعتقادی جوانان و چالش‌های تربیتی آنان با آمار و ارقام قابل توجهی صورت گرفته. اما علیرغم این تحقیقات که یا به صورت نظری یا عملی در قالب تکنگاری یا تخصصی و جمعی انجام گرفته، تحقیقی مناسب و در خور این موضوع که به صورت کاربردی ارائه شود کمتر صورت گرفته. و نیز اگر چه تحقیقات صورت گرفته در جای خود قابل تقدیر است اما به دلیل تنوع و تعدد در جامعه و بروز مشکلات تازه و تغییر ذائقه جوانان، راه‌کارهای جدید و امروزی که متناسب با شرایط زمان باشد قابل توجه است و هرگز نمی‌توان راه‌کارهای کهنه گذشته را برای فرزندان امروز تجویز نمود چون به فرموده امام علی (ع): «... انهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم؛ فرزندان شما برای زمان دیگری خلق شده‌اند»^۱ پس باید متناسب با زمان آنها با آنان سخن گفت و هدایت نمود. و در نوشته حاضر سعی بر این شده تا متناسب با نیاز امروزی جوانان سخن گفته شود و چون نویسنده سالهای متمادی است که در امر تعلیم و تربیت دینی با جوانان از نزدیک و به طور مستقیم فعالیت دارد، و با نیازهای واقعی و شرایط آنها آشناست تلاش می‌نماید تا متناسب با نیازهای جسمی، روحی و روانی و اجتماعی جوانان مطالبی ارائه کند.

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

اهداف و سؤالات تحقیق

تربیتی دینی جوانان فرایندی است که همراه با ایجاد مقتضیات آن، باید موانع پیش روی آن را شناخت و رفع نمود تا دسترسی به اهداف آن آسان تر شود.

با شناخت آسیب‌های تربیتی می‌توان جلوی بسیاری از هزینه‌ها را گرفت و جهت تحقیقات تربیتی را به سوی هدفی واقعی تر هدایت نمود و از فعالیت‌های تربیتی نتیجه‌ای بهینه گرفت.

این نوشتار در پی بررسی علل وارد آمدن بعضی آسیب‌ها به تربیت دینی جوانان است و بیان برخی راه‌کارهای مناسب جهت مصون ماندن تربیت دینی از آسیب‌هاست، و در واقع به دنبال پاسخ به سؤالات ذیل است:

۱. چرا تربیت دینی جوانان آسیب‌پذیر است؟

۲. زمینه آسیب‌ها چیست؟

۳. اقسام آسیب‌های تربیتی چیست؟

۴. پیامدهای آسیب‌های تربیتی چیست؟

۵. علاج آسیب‌های تربیتی چیست؟

روش تحقیق:

پژوهش درباره آسیب‌شناسی تربیتی دینی از دو روش امکان‌پذیر است؛ یک روش به صورت کتابخانه‌ای و بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان علوم تربیتی و تحلیل نوشته‌های آنها؛ و روش دیگر به صورت میدانی و بررسی مصادیق موجود در جامعه و تجزیه و تحلیل علل و عوامل آسیب‌زای تربیتی است.

اما روش تحقیق در این پژوهش ضمن توجه به مصادیق میدانی بیشتر به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد، به این صورت که آراء و نظریات اندیشمندان و متفکران دینی و روان‌شناسان محور اصلی بحث می‌باشد و تطبیق آنها با مصادیق موجود در جامعه

امروزی بر قوت دیدگاه آنها افزوده و در واقع تلفیقی از دو روش، میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته تا این پژوهش به صورت کاربردی ارائه شود.

محدودیت‌ها

تربیت دینی جوانان به لحاظ اهمیتی که دارد همواره به صورت یک دغدغه فکری برای دلسوزان امر تعلیم و تربیت مورد توجه بوده به طوری که هر از چند گاهی در قالب همایشات و ارائه مقالات سودمندی بدان پرداخته شده، لیکن به لحاظ مقطعی بودن این فعالیت‌ها و عدم بررسی نهایی تا رسیدن به نتیجه مطلوب از انسجام کافی برخوردار نبوده و اکنون مجموعه کامل و منظمی از این بررسی‌ها که بتوان در شرایط مختلفی به صورت کاربردی از آن استفاده نمود در اختیار نیست، و اصولاً چون مدت کوتاهی است که این اصطلاح آسیب شناسی تربیت دینی از حوزه علوم پزشکی به علوم انسانی سرایت کرده، تحقیقاتی در خور و لازم انجام نگرفته و حتی کتابخانه‌ای که مجموعه فعالیت‌های انجام شده را جمع‌آوری کرده باشد وجود ندارد.

این موضوع در منابع تربیتی قدیم یا بررسی نشده یا به صورت گذرا اشاراتی بدان شده و در بررسی‌های جدید گاهی به مناسبت‌هایی به صورت تک‌نگاره در ابعاد خاصی بدان پرداخته شده و در نهایت در مراکز تربیتی آموزش و پرورش و سازمان ملی جوانان قدری بیشتر در این باره کنکاش شده اما در این مجموعه‌ها هم مقطعی بدان پرداخته شده پس عمده محدودیت‌های این تحقیق، نبود منابع کافی، عدم دسترسی به اصل برخی مقالات، کاربردی نبودن برخی نوشته‌ها یعنی برخی مقالات اگر چه ناظر به موضوع هستند ولی راه‌کاری را ارائه نداده‌اند.

و در نهایت عدم دسترسی به کتابخانه‌ای غنی که بتوان به طور شایسته استفاده نمود.

بخش ۱

کلیات

فصل اول: واژه‌شناسی تربیت و مترادفات

از واژنامه‌ها برمی‌آید که تربیت دارای سه ریشه است: ربا، یربو؛ ربی، یربی؛ رب، یرب^۱. تربیت چون از ربا، یربو باشد معنایش افزودن، پروراندن، برکشیدن، برآوردن، رویانیدن، تغذیه کودک است.^۱

اگر تربیت برگرفته از ربی، یربی باشد، رشد کردن، برآمدن، قد کشیدن و بالیدن را می‌رساند.^۲

تربیت از ریشه رب، یرب به این معانی آمده: پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن، به تعالی و کمال رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط درآوردن و به اعتدال بردن، استوار و متین کردن^۳ و در نهایت اگر درباره انسان به کار افتد جامع‌ترین معنایش فرهیختن اوست.^۴

البته لغویان، بیشتر با توجه به ریشه «رب، یرب» تربیت را تعریف کرده‌اند؛ مانند راغب اصفهانی که می‌نویسد: «رَبَّيْتُ» (تربیت کردم از واژه «ربو») است و اصلش از مضاعف یعنی «رَبَّ» (رَبَّبَ) بوده که یک حرف آن برای تخفیف در لفظ به حرف (ی) تبدیل شده است مانند «تَطَنَّت» که «تَطَّيْتُ» شده است.^۵

«رب» به معنای مالک، خالق، صاحب، مدبر، مربی، قیّم، سرور و منعم است و نیز اصلاح کننده هر چیزی را «رب» گویند.^۶ بنابراین «رب» به معنای مالک و مدبر و تربیت کننده است.

۱. احمد ابن فارس، مقاییس اللغة؛ ج ۲، ص ۳۸۱.

۲. زمخشری، اساس البلاغه، ص ۲۱۱۹.

۳. زبیدی، تاج العروس، ج ۱، ص ۲۶۱.

۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۴، و فرهنگ فارسی معین، ج ۱.

۵. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۱۸۷.

۶. احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۸۱.

راغب اصفهانی می‌نویسد: «رب» در اصل به معنی تربیت و پرورش است یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تام و کمال خود برسد.^۱ بیضاوی در تفسیر سوره حمد، تربیت را به کمال رساندن و ارزنده ساختن اندک اندک هر چیزی دانسته است.^۲

تربیت در اصطلاح

رویگرد متفاوت دانشمندان به هستی، خدا، جهان، انسان، معرفت و جامعه موجب شده که تعریف جامع و مانعی که مورد اتفاق همگان باشد به دست نیاید و هر کسی از تربیت آن گونه که مایل به فهم آنان است دفاع می‌کند.

پیش از واکاوی در تعریف تربیت بجاست تعریف پاره‌ای از اهل نظر را از تربیت بازگوییم تا روشن شود دیگران چه گفته‌اند و در نتیجه زمینه تعریف پذیرفته شده فراهم شود.

افلاطون در رساله نوامیس چنین می‌نویسد:

منظور من از تربیت، فضیلتی است که در آغاز کودک کسب می‌کند. این تربیت عبارت است از تشکیل عادات نیک و ابتدایی‌ترین احساسات، یعنی «لذت و مهر و الم و کینه» به صورتی که خودبخود با عقل که بعد از آن در کودک پدید می‌آید هماهنگ گردد.^۳

ارسطو شاگرد افلاطون هم بر این باور است که:

تربیت نوعی ایجاد عادت که خود «طبیعتی ثانوی است» می‌باشد و از نظر اجتماعی تربیت را موجب فضیلت مدنی در انسان می‌داند، در حقیقت ارسطو تعلیم و تربیت را فنی می‌داند که باید فضیلت مدنی را به طفل القاء کند و او را برای اتصاف به این فضیلت آماده سازد.^۴

۱. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۱۸۴.

۲. البیضاوی، عمر بن محمد، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۱، ص ۱۰.

۳. رک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۱۷۱.

۴. همان، ص ۱۷۲.